

روزی بعد از صلوات بر ائمه اطهار علیه السلام را در روزی از حال خود صلواتی
 علیه وسلم رسید گفت انا اعلم به منی با منی یعنی معرفت من
 بصدق نبوت می از معرفت من بحال سیر من زیاد است امیر المؤمنین
 عمر رضی الله عنه گفت این چگونه تواند بود گفت ممکن است که
 بر ما در سیر من خیراتی رفته باشد و در نشان و صدق وی قطعا
 شکی نیست راه نیت این بود که من غرضی از صلوات بر او را
 بوسه داد و از او رسته می رضی الله عنه آنرا که گفت بوی رسول
 صلی الله علیه و سلم آیدم و در این بودند چون ویرا دیدم گفتم این
 پیغمبر خداست غرضم از صلوات بر او رضی الله عنه کفایت است
 که مردی از ما که ویرا طارقت نام بود گفت که رسول را صلواتی
 علیه وسلم در مدینه دیدم و ویرا می شناسم می رسید که کسی چیزی
 فروختنی دارم بگویم آری این شتر را می فروشم گفت بجز کفتم
 بجزین و سق خرابوی همراشتر گرفت و به بر در چون وی برت
 ما با بگذر بگویم شتر خود را بکسی فروشم که ویرا می شناسم زنی
 ما همراه بود گفت من تمام این شتر مردی دیدم چون ماه شنب

همارده با شما حیانت بخوانید که چون با ما دیدم مردی خود را
 جز ما آورد و گفت من رسول خدا ام صلی الله علیه و سلم بوی
 شما و سآده است و فرموده که از این جنس ما بخورید و بیایدین
 ناه خود بهما سید قال بعض العلماء فی قوله تعالی یکاد زینها لیس فی
 لولم تمسسه بار این مثلی است که خدای تعالی برای رسول خود کرده
 میگوید نزد یکسبت که منظر وی دلالت کند بر نبوت وی و اگر چه
 تلاوت قرآن نکند بجز آنکه این روایت رضی الله عنه کفایت است
 لولم تمسسه فی آیات عینه لکان منظره بینک باطنه و فایده مشاهده آیت
 و معجزات در حق این کرده تا کید تجت در زیادتی کشف و یقین است
 قال تعالی لیسر ذاد و ایمانهم و بعضی دیگر از آن قبیل بودند
 که اگر چه سببت تمام بان حضرت داشتند اما سبب تسبیح
 رسوم و عادات و طبیعت ایشان حکم مناسبت محقق مانده
 ما دام که مشاهده احوال احوال آیات و معجزات می نکردند و در
 ایمان بوی مشرف نشدند پس مشاهده آیات معجزات در حق این ظاهر
 در احوال عاده اصل تصدیق و ایمان کند و بعد از آن تصدیق

همارده